

بیانیه سازمان سوسیالیستهای ایران

در باره احکام " دادگاه غیر قانونی انقلاب اسلامی " ،
علیه " نهضت آزادی ایران " و فعالین و رهبران آن سازمان

عملکرد غیر قانونی دادگاه های غیر قانونی ،

" همچون " نظارت استصوابی شورای نگهبان "

جلوه ای از عدم مشروعیت " نظام " و هیئت حاکمه جمهوری اسلامی است .
در واقع این اعضای نهضت آزادی و دیگر آزادیخواهان که بر
امر اجرای قانون اساسی تاکید دارند ، نیستند که در جهت
سرنگونی نظام عمل می کنند . بلکه آنده از حاکمین تمامیت
خواه و قانون شکن که بخاطر منافع گروهی خود حاضر نیستند
به " التزام اجرائی به قانون اساسی " رضایت دهند، علیه
حاکمیت قانون ، حقوق ملت ، منافع ملی ، امنیت ملی و استقلال
ایران توطئه کرده و می کنند .

" آنرا که حساب پاک است از محاسبه چه پاک است
اینکه می گوئیم از محاکمه چه پاک است ، مقصودم در دادگاه عدل الهی است ،
زیرا هر قدر پرونده در دادگاه شما ، قطور تر و سنگین تر باشد ، در دادگاه خدا
سبک تر است و حسابمان پاک تر خواهد بود؛ بنابراین اگر طرف ما ، یعنی
هیات حاکمه نگرانی نداشته باشد ، برای ما نگرانی نیست . این محاکمه دو جانبه
است . همانطور که دادگاه ما است ، دادگاه هیات حاکمه نیز می باشد . شما
دادرسان پرونده ما هستید ، ملت ایران دادرس شما و هیات حاکمه خواهد بود ...
اعتراض ما در آن دادگاه این بود که دادگاه غیر علنی و بنا بر این غیر قانونی است
حال می گوئیم جلوگیری دولت از انتشار مدافعات ما ، نه فقط خلاف قانون ،
بلکه خلاف مردانگی و مروت است ، ...
هیات حاکمه از افشای عمل خود و جواب ما ترس دارد ، حتما حرف های ما را
منطقی و قانونی و مقبول ملت ایران و دنیا می داند که نمی گذارد کسی آنها را
بشنود . دستگاه با چنین عملی ، زیر حکم برائت ما و محکومیت خود را امضا
می گذارد .

به گفته " ولتر " در نظام دیکتاتوری و زور ، ممکن است آرامش و آسودگی ظاهر برای طبقه حاکمه بوجود بیاورد ولی این آسودگی همراه با سعادت مردم نیست. جامعه تنها در صورت آزادی عقیده و بیان می تواند روی سعادت را ببیند . "

نقل قول بالا ، بخشی از دفاعیات مهندس مهدی بازرگان در یک دادگاه غیر قانونی در دوران سلطنت محمد رضا شاه ، بنام " دادگاه تجدید نظر نظامی " در پادگان عشرت آباد در ۱۴ اسفند ۱۳۴۲ (۹ ماه بعد از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲) می باشد . بدین لحاظ که ، ادعای دادستان دوران رژیم شاه علیه نهضت آزادی و رهبران آن سازمان و همچنین چگونگی روند برگزاری " دادگاه " شباهت زیادی با ادعای دادستان رژیم جمهوری اسلامی و روند "دادگاه اسلامی" با هم دارند ، و چون محتوی بیانات زنده یاد مهندس بازرگان بخوبی شامل عملکرد جناحی از هیئت حاکمه جمهوری اسلامی نیز می شود ، ما بیانیه سازمان سوسیالیست های ایران را در اعتراض به " حکم غیر قانونی " ، با آن جملات شروع کردیم .

در یک دادگاه غیر قانونی معروف به " شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران " ، "سازمان نهضت آزادی ایران " و سازمانهای فرهنگی منسوب و وابسته آن " منحل " اعلام شد . این دادگاه غیر قانونی همچنین عده ای از رهبران و کادرها و فعالین آن سازمان که از زمره آزادیخواهان، اصلاح طلبان و طرفداران " حاکمیت قانون " می باشند و در حقیقت از شخصیتهای سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی طراز اول کشور ایران هستند را محکوم به زندان های طولانی تا ۱۰ سال نمود. حتی عده ای از این افراد تا ۱۰ سال از کلیه حقوق اجتماعی از جمله فعالیت سیاسی و عضویت در احزاب و تشکلهای سیاسی محروم گردیدند. در واقع " **حق تعیین سرنوشت** " و تصمیم گیری از آنها در باره "**سرنوشت خود**" ، از سوی "**بازجویان ناشناس**" در پشت درهای بسته سلب شد . آنهم بدین خاطر که آنان همچون جناح قدرت طلب و تاریک اندیش هیئت حاکمه ایران و روحانیون بنیادگرا نمی اندیشند و بخود اجازه داده اند تا به بعضی از اعمال غیر قانونی و فرا قانونی آنان اعتراض نمایند .

قوه قضائیه جمهوری اسلامی در برگزاری این " محاکمات " ، کوچکترین توجهی به اصل ۱۶۸ قانون اساسی که می گوید "**رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد ...**" ننمود .

" نهضت آزادی " ، همان سازمان سیاسی است که بخاطر مبارزه با قانون شکنی های رژیم کودتای وابسته به امپریالیسم شاه و همچنین تبلیغ و ترویج " نظرات سیاسی و اجتماعی اسلامی " از سوی مهندس بازرگان ، آیت الله سید محمود طالقانی ، دکتر یدالله سبحانی ، رحیم عطائی ، عباس رادنی ، سید احمد صدر حاج سید جوادی ، احمد علی بابائی ... در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۰ تأسیس شد . برخی از اعضای آن سازمان از اعضای " نهضت مقاومت ملی " ، سازمانی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که بر رهبری آیت الله سید آقا رضا زنجانی و دیگر طرفداران حکومت ملی مصدق بخاطر مبارزه با کودتاچیان تشکیل شده بود، بودند .

نهضت آزادی ایران ، یکی از سازمان های سیاسی با سابقه ایران است که چه در دوران رژیم محمد رضا شاه و چه در زمان حکومت جمهوری اسلامی تاکید فراوانی بر امر قانونمداری نموده است و بیشترین نیرو و امکانات خود را بخاطر تحقق " حاکمیت قانون "

و مبارزه با استبداد و ارتجاع و استعمار بکار گرفته است. تمام اعضای این " سازمان " چه در دوران رژیم شاه و چه در دوران حکومت جمهوری اسلامی همیشه به **اصل " التزام اجرائی به قانون اساسی "** نه تنها پایبند بوده اند بلکه این اصل را مکررا تبلیغ و ترویج نموده اند.

زنده یاد مهندس مهدی بازرگان، ویژگی های اصلی جمعیت نهضت آزادی را این چنین بیان می کند: **ما مسلمان، ایرانی و مصدقی هستیم.**

در آزمایشی که بدنه اصلی روحانیت بطور کلی غیر سیاسی بود و اصولاً بینش سیاسی نداشت و در واقع از دخالت در امور سیاسی و کارهای دولتی فاصله می گرفت، رهبران و اعضای " جمعیت نهضت آزادی ایران " همچون اعضای حزب مردم ایران (نهضت خدایران سوسیالیست) از پیشگامان طرح مسائل نظری و دینی از قبیل " بازنگری اندیشه دینی "، " نواندیشی دینی "، " اصلاح اندیشه دینی " ... در ایران بودند. اگر چه بخش بزرگی از شخصیتها، سازمانها و احزاب ملی بنحوی لائیک (غیر مذهبی ولی نه ضد مذهب) بودند، اما جمعیت نهضت آزادی و اعضای مخالف جدایی دین از دولت و دین از سیاست بودند و به تبلیغ و ترویج این نظرات و عقاید در بین جوانان می پرداختند. در واقع مروج یک نوع حکومت مکتبی بر چارچوب قانون اساسی و محترم شمردن حرمت انسانی بودند.

اگر چه می توان با بعضی از تحلیلها و یا تصمیمات، نظرات و عقاید سازمان نهضت آزادی و یا بعضی از گفتار و نوشتار رهبران و فعالین آن توافق نداشت و با هر نوع حکومت مکتبی و ایدئولوژیک مخالف بود، ولی این یک واقعیتی است که اعضای این سازمان در کنار اعضای " جبهه ملی ایران " ... از پیشقراولان مبارزه بخاطر برقراری " حاکمیت قانون " و مدافعین سرسخت " آزادی و استقلال " در مبارزه علیه رژیم شاه بودند.

حکم دادگاه غیر قانونی " دادگاه انقلاب اسلامی تهران " علیه " نهضت آزادی " و رهبران و فعالین آن سازمان را باید شدیداً محکوم کرد و در سطح جهان به افشاگری علیه آن پرداخت و پرده از ماهیت ارتجاعی و فزون وسطانی " قوه قضائیه " جمهوری اسلامی برداشت.

ضروریست خاطر نشان کرد که این حکم ارتجاعی، علیه نهضت آزادی و فعالین آن سازمان همچون دیگر احکامی که در رابطه با:

- " قتل های زنجیره ای "،
- " دانشجویان و فاجعه ۱۸ تیر "،
- " برخی از نمایندگان مجلس که بر اصل استقلال مجلس بعنوان تنها نهاد قانون گذاری تاکید کردند"،
- " محسن میردامادی رئیس کمیسیون امنیت مجلس "،
- " روزنامه نگارانی که نقش بزرگی در افشای ماهیت مافیای قدرت و برخی از مسائل و جنایات پشت پرده، همچون قتل های زنجیره ای داشتند "؛
- غیر قانونی کردن بیش از ۸۰ روزنامه، هفته نامه و ماهنامه که آخرین آنها روزنامه های " آزاد "، " نوروز "، " آئینه جنوب " و " روز نو " می باشند،
- " سیامک پورزند و نمایش مسخره تلویزیونی علیه حرمت انسانی وی "،
- " شرکت کنندگان کنفرانس برلین "،
- " وکلای دادگستری که بر اجرای قانون تاکید کردند و حاضر نشدند تن به قبول پایمال شدن حقوق موکلین خود دهند،

... صادر شده است ، احکامی سیاسی هستند که با توافق بخشی از مقامات بالای رژیم و در حقیقت دولت پنهانی که دولتی در دولت آقای خاتمی است انجام گرفته است . چنین حکمی که نه بر پایه اصول قانون اساسی و مسایل حقوقی بلکه بر پایه نظرات سیاسی یک جناح مشخص از هیئت حاکمه تنظیم شده است ، کوچکترین وجهه قانونی نداشته و محکوم است . این " حکم غیرقانونی " ، همچون احکام دیگر که اشاره رفت ، عملی است بر خلاف دست آورد های انقلاب و اصول قانون اساسی . و ضربه جدیدی است بر ساختار سیاسی حاکم بر کشور .

زمانیکه آیت الله خمینی از سوی رژیم کودتا بعد از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ از ایران اخراج شد ، برخی از مقلدین و طرفداران ایشان در آن مقطع تاریخی شدیداً از سوی حکومت کودتا سرکوب شدند و حتی با گذشت زمان برخی از این طرفداران که جزو زندانیان سیاسی بودند یعنی کسانی نظیر آقایان حبیب الله عسگرآولادی ، آیت الله محی الدین انواری ، مهدی عراقی ، ابوالفضل حاج حیدری ... تسلیم شکنجه گران ساواکی شدند و در مراسم تبلیغاتی ساواک " شاهنشاه ها سپاس " شرکت کردند و از بارگاه شاهنشاه تقاضای بخشودگی و عفو نمودند و شعار " جاوید شاه " سر دادند . در همان مقطع تاریخی ، سازمان نهضت آزادی و اعضای رهبری و کادر های سیاسی آن سازمان از جمله مهندس مهدی بازرگان ، دکتر یدالله سبحانی و مهندس عزت الله سبحانی ... شدیداً به افشاگری دست زدند و بجای بیان " شاهنشاه ها سپاس " ، رژیم کودتای وابسته محمد رضا شاه پهلوی را بمحاکمه کشیدند .

سازمان نهضت آزادی ، همین سازمانی که از سوی دادگاه غیر قانونی انقلاب اسلامی "منحله " اعلام شد ، در نشریه شماره ۹ سازمان که در نیمه اول اردیبهشت ۱۳۴۲ (یک ماه قبل از قیام ۱۵ خرداد) منتشر شده بود ، همان نشریه ای که مهندس عزت الله سبحانی مسئولیت انتشار آنرا در دادگاه نظامی سلطنت آباد در ۱۵ فروردین ۱۳۴۳ بعهده گرفت و از محتوی آن با صراحت به دفاع پرداخت ، در رابطه با عملکرد رژیم کودتا نوشته بود:

" ... دیکتاتور زورگو چون به هیچ یک از طبقات ملت نمی تواند تکیه داشته باشد و چون می داند حرص و آز و منفعت طلبی خود و بستگانش غالب طبقات مردم را به ستوه آورده است ، و به عصیان و امیدارد ، بناچار برای خنثی کردن عصیان ها ، که عاقبت منجر به سرنگونی دیکتاتور خواهد شد ، دستگاههای مختلف و متنوع جاسوسی تشکیل می دهد تا بتواند به حکومت جابرا نه خود ادامه دهد ... دیکتاتور ، عالی ترین و والاترین مشاغل ، ... را به غلامان و بندگان خود می سپارد ... باید دست شاه را از سر ملت ایران قطع کرد "

همانطور که اشاره رفت ، در آن مقطع تاریخی بعضی از فعالین " جمعیت موقله اسلامی " که در برنامه " شاهنشاه ها سپاس " که از سوی " ساواک " در زندان برهبری آقای منوچهر سلیمی ، یکی از عناصر " چپ " زندانی ترتیب داده شده بود ، شرکت کردند . در واقع خیمه شب بازی مامورین ساواک شبیه " مصاحبه مطبوعاتی " بود که اخیراً سازمان امنیت اسلامی از طریق تلویزیون اسلامی برای سیامک پورزند بپا کرد و وی در آن مجبور شده بود تا بر خلاف میل خودش و بدون ارائه کوچکترین سند و مدرک در هنگام مصاحبه بعضی

از روز نامه نگاران و شخصیت‌های اصلاح طلب و قانونمدار را وابسته به بیگانگان متهم کند.

"جمعیت مؤتلفه اسلامی" ، بعد از پیروزی انقلاب موفق شد با رهبری آقایان حبیب الله عسگر اولادی مسلمان و اسدالله بادامچیان به موفقیت مهمی دست یابد . این سازمان ورهبران با افراد و سازمانهای سیاسی همچون " نهضت آزادی " که بر اصل "جمهوریت" نظام و "حاکمیت قانون" و "اصلاحات" تاکید دارند و با عملکردهای فراقانونی مخالف هستند ، برخوردی شدیداً خصمانه و ماجراجویانه داشته و دارد . شاید علاوه بر "**مصدقی**" بودن رهبران و فعالین "جمعیت نهضت آزادی ایران" ، یکی دیگر از دلایل این نوع برخورد خصمانه بخصوص با نهضت آزادی و رهبران آن سازمان بدین خاطر باشد که رهبر "جمعیت مؤتلفه اسلامی" در مقابل رژیم شاه از خود ضعف نشان داد و در نمایش "**شاهنشاه ها سپاس**" شرکت کرد ، اما رهبران و کادرهای "نهضت آزادی ایران" با نقل قول از "**ولتر**" و **اصول "قانون اساسی"** بدفاع از محتوی نظرات سیاسی ، مذهبی خود پرداخته و همانطور که در اول این نوشته از دفاعیات زنده یاد مهندس بازرگان نقل قول شد ، نظام دیکتاتوری حاکم را به محاکمه کشیدند .

شاید از خاطره ها محو شده باشد که **اصولاً امکانات تبلیغاتی** در دورانی که "**انقلاب سفید شاه**" انجام گرفته و شاه همچون یک پادشاه مستبد ، به یکه تازی مشغول بود و بهیچوجه عملکرد و اوامر خود را مقید به چارچوب قانون اساسی مشروطیت نمی دانست (**فراقانونی عمل می کرد**) ، در مقایسه با مقطع کنونی بسیار محدود بود . علاوه بر این محدودیت ، تقریباً بیشتر از ۹۹،۹ درصد آن امکانات در اختیار دولت شاه و دستگاه های تبلیغاتی وی قرار داشت . در واقع امکانات عناصر منتقد و نیروهای مخالف دیکتاتوری و استبداد و یا بزبان دیگر طرفداران استقرار حاکمیت قانون و اجرای قانون اساسی مشروطیت ، بسیار محدود بود . نیروهای منتقد و مخالف فقط امکانات بسیار محدودی در خارج از کشور در اختیار داشتند .

امکانات آیت الله خمینی در آن مقطع تاریخی بسیار بسیار محدود بود . در آن شرایط اعضای برجسته " نهضت آزادی " همچون مهندس مهدی بازرگان ، آیت الله سید محمود طالقانی ، دکتر یدالله سبحانی ، رحیم عطانی ، مهندس عزت الله سبحانی ، احمد علی بابائی ، دکتر عباس شیبانی ، عباس رادنی ... با آیت الله خمینی همسویی و همصدائی داشتند ، و فعالین آن سازمان در خارج از کشور که شامل شخصیت هایی نظیر دکتر علی شریعتی ، دکتر ابراهیم یزدی ، صادق قطب زاده ، دکتر مصطفی چمران ، دکتر صادق طباطبائی ... می شد در کنار دیگر شخصیت های ملی - مذهبی همچون دکتر ابوالحسن بنی صدر و ... بدون چون و چرا از آقای خمینی که در نجف اشرف بسر می برد ، پشتیبانی و حمایت می کردند و نام وی را بر سر زبانها نگاه می داشتند .

اگر چه استقامت و پایداری آیت الله خمینی در مبارزه با رژیم شاه نقش بزرگ و تعیین کننده ای داشت ، ولی امکانات تبلیغاتی ایشان و دیگر طرفدارانش در مقایسه با امکاناتی

که شاه در اختیار داشت تقریباً صفر بود . در واقع این یک واقعیت تاریخی است که آقای خمینی بدون حمایت و همکاری سازمان نهضت آزادی و فعالین و رهبران آن سازمان و فعالین انجمن های اسلامی ، بهیچوجه نمی توانست در مقطع تاریخی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به رهبری سیاسی انقلاب مردم ایران دست یابد . همین دکتر ابراهیم یزدی دبیر کل فعلی نهضت آزادی و مرحوم صادق قطب زاده ، دکتر ابوالحسن بنی صدر (ناشر خبرنامه جبهه ملی) ، دکتر صادق طباطبائی و دیگر شخصیت های ملی - مذهبی و فعالین نهضت

آزادی کوشش فراوانی مبذول داشتند تا افکار عمومی ایران تحت تاثیر تبلیغات رژیم کودتا و در اثر گذشت زمان، آیت الله خمینی را فراموش ننمایند!

اشاره کوتاهی که به نقش نهضت آزادی و رهبران آن در این بیانیه رفت، بیانگر این واقعیت است که بدون همکاری و همیاری نهضت آزادی و نیروهای ملی و ملی - مذهبی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در ایران انقلاب اسلامی نمی توانست اصولاً بوقوع بپیوندد، چه برسد باینکه با موفقیت به پیروزی رسد. در همین رابطه بود که، علاوه بر اینکه آقایان آیت الله طالقانی، مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سبحانی، سید احمد صدر حاج سید جواد، مهندس عزت الله سبحانی، دکتر ابراهیم یزدی، دکتر عباس شیبانی، مهندس مصطفی کتیرائی، سرتیپ علی اصغر مسعودی، دکتر ابوالحسن بنی صدر... از اعضای شورای انقلاب بودند (اعضای دیگر شورای انقلاب عبارت بودند از آقایان آیت الله مرتضی مطهری، آیت الله محمد حسین بهشتی، آیت الله موسوی اردبیلی، حجت الاسلام دکتر محمد جواد باهنر، حجت الاسلام علی خامنه ای، حجت الاسلام علی اکبر هاشمی رفسنجانی،

...)، **رهبر انقلاب از بین تمام نزدیکان و یاران خود، رهبر نهضت آزادی را به عنوان اولین نخست وزیر بعد از نظام پادشاهی انتخاب نمود و اولین کابینه انقلاب از اعضا و منتسبین به نهضت آزادی و جبهه ملی تشکیل گردید.** و همچنین این نیز یک واقعیت است که اگر قاطعیت و برائی و استقامت آیت الله خمینی در مبارزه با رژیم شاه وجود نداشت، آقایان مهندس بازرگان، صادق قطب زاده، دکتر ابوالحسن بنی صدر، دکتر ابراهیم یزدی، دکتر صادق طباطبائی... در مقطع تاریخی بعد از انقلاب **به دولتمداران درجه اول**

دولت ایران تبدیل نمی شدند **و به طریق اولی آقایانی همچون علی خامنه ای، علی اکبر هاشمی رفسنجانی، عسکراولادی مسلمان و... نمی توانستند اصولاً به چنین مقامهایی که اکنون در اختیار دارند دست یابند!**

دادگاه غیر قانونی انقلاب، دادگاهی است که بیشتر شباهت به دادگاه های قرون وسطایی "**روحانیت کاتولیک**" دارد، با این تفاوت که بر عکس دوران قرون وسطی، "**حاکمیت قانون**" در اروپا موجود نبود، امروزه رژیم اسلامی و روحانیت حاکم بر ایران مشروعیت حکومت خود را از "**قانون اساسی جمهوری اسلامی**" می گیرند. با وجود این واقعیت، اصولاً "**وجود**" و عملکرد این "**دادگاه**" های قرون وسطایی، در مغایرت کامل با روح و نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی قرار دارند که با احکام غیر قانونی خود، نه تنها روی قضات "**دادگاه های نظامی**" دوران محمد رضا شاه، را سفید کرده و اعمال غیر انسانی آنها را برائت می بخشند، بلکه همچون "**شورای نگهبان**" کوچکترین توجهی به محتوی گفتار رهبر انقلاب در بهشت زهرا که پس از مراجعت به ایران مبنی بر اینکه "**حق شرعی و حق قانونی و حق بشری ما این است که سر نوشتمان دست خودمان باشد**" نکرده و آنرا بعنوان موعظه و نصیحت تلقی می کنند. متصدیان این ارگان ها باین مسئله توجه نمی کنند که اگر منظور فقط موعظه و نصیحت بوده، و نه پاسخ گفتن به یکی از خواست های محوری مردم در محور انقلاب، چرا و بچه دلیل محتوی این گفتار در بسیاری از اصول قانون اساسی از جمله اصل سوم بند های ۷، ۸، ۱۴ و اصل های ۶، ۹، ۱۹، ۲۰، ۲۶، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۲، ۷۷، ۱۷۷... ذکر شده است.

آیت الله خمینی رهبر انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در قبرستان بهشت زهرا گفت :

" اصل رژیم سلطنتی از اول خلاف قانون و خلاف قواعد عقلی است و خلاف حقوق بشر است... این به چه حقی ملت پنجاه سال پیش از این، سر نوشت ملت بعد را معین می کند؟ سر نوشت هر ملتی به دست خودش است... سر نوشت هر ملت دست خودش است، ملت در صد سال پیش از این، صد و پنجاه سال پیش

از این ، یک ملتی بوده ، یک سرنوشتی داشته است و اختیاری داشته ولی او اختیار ما ها را نداشته است
که یک سلطانی را بر ما مسلط کند ... بر این جمعیتی که الان بیشترشان ، بلکه الا بعض قلیلی از آنها
ادراک آن وقت را نکرده اند ، چه حقی داشتند ملت در آن زمان سرنوشت ما را در این زمان معین کنند ؟
... هر کسی سرنوشتش با خودش است ، مگر پدراهای ما ولی ما هستند ؟ مگر آن اشخاصی که در صد
سال پیش از این ، هشتاد سال پیش از این بودند ، می توانند سرنوشت یک ملتی را که بعدها وجود پیدا می
کنند ، آنها تعیین بکنند ؟ ... این ملتی که سرنوشت خودش با خودش باید باشد ، در این زمان می گوید که
ما سلطنت ... نمی خواهیم ، سرنوشت اینها با خودشان است . این هم یک راه است از برای اینکه سلطنت
او باطل است . "

در رابطه با اجحافات ، تضییقات و ظلمی که از سوی مامورین امنیتی و قوه قضائیه و شورای نگهبان و دیگر نهادهای انتصابی بر مردم ایران روا می رود ، آیا اصولاً می توان در ایرانی که اکنون تحت حکومت جمهوری اسلامی پرهبری آیت الله علی خامنه ای قرار دارد و نه " رژیم محمد رضا شاه " ، ادعا کرد که خواست آیت الله خمینی مبنی بر " هر کسی سرنوشتش با خودش است " ، متحقق شده است ؟

ما سوسیالیستهای ایران که خود را جزو نوه های سیاسی دکتر مصدق می دانیم و رک گوئی و پایبند بودن به استقلال و آزادی ایران را از وی آموخته ایم و بر ارزش های حاکمیت قانون ، آزادی و دموکراسی تاکید داریم ، اگر خواسته باشیم گفتار رهبر انقلاب در قبرستان بهشت زهرا که بطور مکرر بر امر "**سرنوشت**" تاکید داشت ، را محک و معیار قرار دهیم ، باید قاطعانه بگوئیم که سالهای سال است که این " حق " مرم ایران از سوی اعضای شورای نگهبان ، نیروهای باصلاح امنیتی و قوه قضائیه ، پایمال می شود .
در حقیقت اگر فراموش نکرده باشیم ، گفتار رهبر انقلاب در دفاع از " حق تعیین سرنوشت " در گورستان بهشت زهرا در سال ۱۳۵۷ کمک کرد تا مردم ایران با آن اکثریت قاطع به نفی رژیم پادشاهی و انتخاب نظام جمهوری اسلامی دست بزنند . البته اعتبار شخصیت های سیاسی ملی و ملی مذهبی (نیروهای منتسب به جبهه ملی و نهضت آزادی) نیز در این امر بی تاثیر نبودند .

نتایج انتخابات اخیر نشان داده است که اگر مردم ایران در مقطع تاریخی انقلاب بهمین و
رفراندوم می دانستند که با گذشت زمان اعضای شورای نگهبان ، اعضای که ۶ نفر آن ها
بطور مستقیم و ۶ نفر دیگر بطور غیر مستقیم از سوی " مقام رهبری " انتصاب خواهند شد
و این ۱۲ نفر بجای ملت ایران ، بر پایه مصوبه غیرقانونی " نظارت استصوابی " همچون
دفتر سیاسی " احزاب کمونیست " حاکم بر کشور های اروپای شرقی و چین کمونیست و یا
دوران کنگره های آزاد مردان و آزاد زنان احزاب شه ساخته " ایران نوین " و " مردم "
عمل خواهند کرد و خود را " قیم " و " وصی " مردم ، خواهند خواند و بنا بر فرمان ،
تعیین خواهند کرد که چه فردی حق دارد نامزد نمایندگی مجلس شورای اسلامی و یا مجلس
خبرگان و شوراها شود و چه کسی از این حق محروم خواهد بود و در واقع بیشتر از
۸۰ درصد از مردم ایران را از حق معرفی نامزدهای انتخاباتی و دادن رای به
نامزدهای مورد نظر خود محروم خواهند کرد ، حتماً از آن رفراندوم و رهبری پشتیبانی
نمی کردند .

در هر کشوری اگر بنا باشد از " استبداد " خبری در میان نباشد و رتق و فتق امور بر پایه " حاکمیت قانون " انجام گیرد ، تمام شهروندان جامعه صرفنظر از اینکه طرفدار هیئت حاکمه باشند و یا جزو منتقدین و مخالفین آن ، موظف به " التزام اجرایی (التزام عملی) به قانون اساسی " باید باشند . البته " التزام اجرایی " به هیچوجه بمعنی " اعتقاد " به محتوی قانون اساسی آنچنان که جناح تمامیت خواه رژیم اسلامی تبلیغ می کند نیست .

این حق قانونی هر ایرانی است که بصورت مسالمت آمیز برای نظرات و عقاید خود تبلیغ کند و حتی اگر روزی اکثریت بزرگی از مردم همچون او اندیشیدند ، بتواند آن بخشهایی از " اصول قانون اساسی " را

که قبول ندارد بطور قانونی برای تغییر و یا اصلاح به رای مردم بگذارد. طبق اصل ۱۷۷، بازنگری در قانون اساسی بعنوان یکی از "حقوق" ملت ایران برسمیت شناخته شده است. و اصل ۵۹ مسئله همه پرسی و مراجعه مستقیم به آراء عمومی را مطرح کرده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی بر عکس تفسیرهای غلط جناح تمامیت خواه و سرکوبگر رژیم، همانطور که اشاره رفت حق تعیین سرنوشت و آزادی و حتی بازنگری در قانون اساسی و اصلاح، تغییر و تکمیل آنرا، آنهم از سوی تمام ایرانیان برسمیت شناخته است.

مخالفت با مصوبه "نظارت استصوابی"، مخالفت با قانون شکنی های قوه قضائیه، مخالفت با حکم حکومتی مقام رهبری که در مغایرت کامل با روح و نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی قرار دارند، دفاع از دست آوردهای انقلاب است و نه توطئه علیه امنیت ملی. ولی چون جناح تمامیت خواه هیئت حاکمه منافع خود را مساوی و معادل با "انقلاب" تلقی می کند، هر نوع انتقاد به عملکرد این بخش از هیئت حاکمه را به حساب مخالفت با "نظام"، "امنیت ملی"، "انقلاب" و حتی انتقاد به "دین"، "خدا و ائمه" و "اهانت به مقدسات" می گذارد.

به نظر ما اصل ولایت فقیه و اختیارات زیادی که اصل ۱۱۰ قانون اساسی به ولی فقیه اختصاص داده است در تباین با دموکراسی و حق حاکمیت مردم قرار دارد. اما همین اصل نیز آن گونه که قانون مقرر داشته است رعایت نمی گردد. عملکرد خلاف قانون "شورای نگهبان" باعث شده است تا "مقام رهبری" که مشروعیت خود را از قانون اساسی جمهوری اسلامی می گیرد و در واقع بطور غیر مستقیم این "مقام" باید از سوی ملت انتخاب شود، یعنی ملت ایران در یک انتخابات آزاد و مخفی نمایندگان "مجلس خبرگان" را انتخاب کنند و آن مجلس مقام رهبری را انتخاب نماید، مخدوش شود. آنهم باین دلیل که شورای نگهبان، از طریق "نظارت استصوابی" باعث شده است تا حقوق ملت در قانون اساسی بزیور پا گذاشته شود. اعضای شورای نگهبان بر پایه چنین "نظارتی" که بر خلاف اصل ۹۹ قانون اساسی می باشد، تنها به کاندیدانی اجازه کاندید شدن برای نمایندگی می دهند که این کاندیدا خود را از طرفداران مقام رهبری بدانند و نظرات سیاسی اجتماعی همچون وی داشته باشد.

در واقع این اعضای "شورای نگهبان" هستند که چون منافع جناح مشخصی از حاکمیت را مد نظر دارند و نه منافع کل ملت ایران را، با بکار گرفتن مصوبه "نظارت استصوابی"، "مشروعیت" نهاد رهبری را بعنوان یک "رهبر" منتخب مردم بزیور سنوال می برد و بزرگترین ضربه را از این طریق به "نظام" وارد کرده اند. نظام حکومتی که نخواهد منافع ملی و بهزیستی و رفاه مردم را در نظر گیرد، سر انجام محکوم به فناست!

در خاتمه باید متذکر شد که این "نهضت آزادی" و کادرها و فعالین آن سازمان نیستند که علیه "امنیت ملی" توطئه می کنند، بلکه برعکس ادعای **بازجویان ناشناس و قضات گوش بفرمان**، این بخشی از هیئت حاکمه جمهوری اسلامی است که با فرمان **"خفه کنید"** دستور قتل صادر می کند و بر امر ادامه قتل های زنجیره ای و نابود کردن دیگر اندیشان تاکید می ورزد و با حرکت در آوردن رجالگان که بغلط بر خود نام "حزب الله" گذاشته اند دست به آشوب و بلوا می زند و با تهدید جان صاحب نظران و دیگر اندیشان همچون **دکتر هاشم آخجری** و نمایندگان اصلاح طلب و قانونمدار مجلس و روزنامه نگاران اصلاح طلب و قانونمدار از برقراری "حاکمیت قانون" و اصلاحات و رفرم جلوگیری می کند.

از سوی هیئت اجرایی سازمان سوسیالیستهای ایران

دکتر منصور بیات زاده

۱۸ مردادماه ۱۳۸۱

socialistha@ois-iran.com